

اصل برابری سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون

آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی حقوق بشر

منوچهر توسلی نائینی*

قدرت‌الله خسروشاهی**

زهره نصراللهی***

چکیده

اصل برابری سلاح‌ها به این معنا است که هریک از طرف‌های دعوا باید بتواند ادعای خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود در وضعیت نامناسب‌تری قرار ندهد. امروزه اصل مزبور در سطح جهانی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته و از دید اسناد بین‌المللی، پذیرش این اصل متأثر از پذیرش الگوی جهانی دادرسی منصفانه است که با گرایش به سوی نظام اتهامی، به‌ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی، شکل گرفته است. این امر مستلزم آن است که در مرحله تحقیقات مقدماتی که نخستین مواجهه متهم، بزه‌دیده و شاهد با دستگاه عدالت کیفری است و پایه‌های پرونده کیفری در این مرحله شکل می‌گیرد، قانون‌گذار امکانات و تجهیزات اشخاص مزبور را مشخص و تضمین‌هایی در جهت رعایت آنها پیش‌بینی کند. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با الهام از برخی از اسناد بین‌المللی در مرحله تحقیقات مقدماتی در مواردی به برخی از تضمین‌های اصل برابری سلاح‌ها نظر دارد و بعضی از مقررات این قانون بر پایه همترازی طرف‌های دعوای کیفری استوار شده است. با این حال، این موارد با برخی از محدودیت‌ها در خصوص برخی از جرایم روبرو است که خواه ناخواه برابری کامل طرف‌ها، یعنی توازن نسبی متهم، دادستان و بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی را خدشه‌دار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: تحقیقات مقدماتی، اصل برابری سلاح‌ها، طرف‌های دعوا، حقوق

دفاعی.

tavassoli2000@hotmail.com

ghkho44@yahoo.com

ze.nasrollahy@gmail.com

* عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

** عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه اصفهان

*** کارشناس ارشد حقوق جزا دانشگاه اصفهان

مقدمه

قوانین و مقررات کیفری به واسطه ارتکاب جرم، در نخستین گام در تلاش برای حفظ یا اعاده نظم مخدوش شده، حکومت و نمایندگان آن نظیر دادستان و دادسرا را در برابر ناقضان قانون مکلف و مختار می‌کند. در مقابل، ایراد برچسب اتهام به شخص او را وارد فرآیندی می‌کند که ناگزیر دست‌بسته و ناتوان در برابر حکومت و نمایندگان آن با تمام اختیارات، ابزارها و امکانات قرار می‌گیرد. از این‌رو در جهان امروز به موجب آموزه‌های تازه‌تر حقوقی با شدت بیشتری از هدف دیگر مقررات آیین دادرسی کیفری، یعنی حفظ آزادی‌ها و حقوق شخصی سخن به میان می‌آید. بنابراین با تأسی بر «الگوی دادرسی منصفانه»^۱ و دوری از «الگوی کنترل جرم»^۲ قوانین و مقرراتی باید در جهت تأمین و تضمین حقوق مظنون و متهم مقرر گردد^۳ و از سوی دیگر اگرچه نماینده جامعه به گونه‌ای به کمک بزیدیده می‌شتابد، اما مقررات آیین دادرسی کیفری با رویکرد «رفتار منصفانه» و اجرای عدالت تام برای جبران خسارت‌ها و تأمین حقوق بزهدیده نیز باید فکری اندیشیده باشد تا از میزان دردمندی او کاسته و از بزهدیدگی مضاعف او جلوگیری کند.^۴ به این ترتیب شرایط به گونه‌ای تنظیم شود که از همان آغاز طرح دعوی کیفری تمامی طرف‌های دعوا با تجهیزات و امکانات مساوی و شرایط برابر به نبرد قضایی بپردازند.

در این راستا با پذیرش «اصل برابری سلاح‌ها» در کشورهای مختلف که متأثر از دادرسی منصفانه‌ای که در اسناد بین‌المللی نظیر ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر گردیده است که براساس توافقی کردن هرچه بیشتر دادرسی، به‌ویژه مرحله تحقیقات و بازجویی‌های نخستین و در نتیجه گرایش به سوی نظام اتهامی شکل گرفته است.^۵ با این وجود اصل مزبور در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی به صراحت بیان نشده است. نخستین بار کمیسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۹ در مورد پرونده‌ای حکم کرد که «حق بهره‌مندی از دادرسی منصفانه

1. Due process model

2. Crime control model

۳. برای آشنایی بیشتر، ر. ک: قیانچی، حسام؛ و حمیدرضا دانش‌ناری، «الگوهای دوگانه فرآیند کیفری کنترل جرم و دادرسی منصفانه»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۴، پاییز و زمستان، ۱۳۹۱.

۴. غلامی، حسین، «میزگرد عدالت برای بزهدیدگان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۴، ص. ۶۴.

۵. ساقیان، محمدمهدی، «اصل برابری سلاح‌ها در فرآیند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران)»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶-۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص. ۸۰.

اقتضا می‌کند که هریک از طرف‌های دعوا این امکان معقول را داشته باشد که بتواند دعوی خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود به‌گونه‌ای اساسی در وضعیت نامناسب‌تری قرار ندهد.^۱ «حقوق دانان غربی نیز واژه «انصاف» در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را به «تساوی سلاح‌ها بین طرف‌های دعوا» تعبیر کرده‌اند.^۲ بدین‌سان اصل برابری سلاح‌ها «در مورد همه مرحله‌های آیین دادرسی که ارتباط مستقیمی با تصمیم درباره گناهکاری یا بی‌گناهی متهم دارد، اعمال می‌شود»^۳ و چنین تضمینی مستلزم این است که هریک از طرف‌ها از همان آغاز روند رسیدگی و مراحل پیش از محاکمه که پرونده کیفری در حال تشکیل است، از تسهیلات و فرصت و امکانات کافی بهره‌مند باشد تا بتواند دفاعی مناسب از خود ارائه دهد.

در نوشتار حاضر تلاش شده است تا با استفاده از اسناد و الزامات بین‌المللی، ضمن معرفی ضوابط و تضمین‌های اصل برابری سلاح‌ها ناظر به مرحله تحقیقات مقدماتی، رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این خصوص بیان گردد و خلأها و نقص‌های موجود نیز به همراه راهکارهای پیشنهادی اعلام گردد. از این‌رو تضمین‌های اصل برابری سلاح‌ها ناظر به مرحله مزبور در دو مبحث بررسی گردیده است. مبحث نخست مربوط به ضوابط ناظر بر حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه، و مبحث دوم تضمین‌های ناظر بر حق بر حضور فعال طرف‌های درگیر است. همچنین منظور از تحقیقات مقدماتی در این نوشته، کلیه اقدامات تعقیبی و تحقیقی پیش از رسیدگی در دادگاه توسط بازپرس و دادستان است.

۱. حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه

امروزه صدور حکم منصفانه را نمی‌توان ناشی از رسیدگی به پرونده‌ای که در مراحل پیش از محاکمه به شیوه تفتیشی و بدون بهره‌مندی تمامی طرف‌های دعوا از امکانات ضروری جهت دفاع موثر و مفید، تهیه و آماده شده باشد، دانست. به‌عبارت دیگر نمی‌توان تنها به بی‌طرفی قاضی در رسیدگی به پرونده‌ای که در آن اصول درست و منصفانه دادرسی در مرحله تحقیقات مقدماتی نادیده انگاشته شده باشد، برای صدور

۱. همان، ص. ۸۲.

۲. آشوری، محمد؛ و دیگران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص. ۳۲۷.

۳. ترشل، استفان؛ و سارا سامرز، «دادرسی عادلانه در امور جنایی»، ترجمه علی شایان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶-۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص. ۲۵۵-۲۵۶.

حکمی مبتنی بر موازین عدالت بسنده کرد.^۱ از سویی نیز همان‌طور که گفته شده است، از اصول ذاتی و غیرقابل انتزاع دادرسی منصفانه، موازنه قوا است.^۲

دفاع و تعقیب باید به شیوه‌ای صورت گیرد که حق طرف‌های دعوا در برخورداری از فرصت مساوی جهت آماده شدن و ارائه شکایت در طول روند رسیدگی‌ها تضمین شود، حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه یکی از جنبه‌های اساسی و مهم اصل تساوی ابزارها و امکانات به شمار می‌رود^۳ و ضروری است تا این حق در تمامی مراحل رسیدگی من جمله در تحقیقات مقدماتی رعایت گردد. قسمت ب بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با مقرر کردن «برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه» و قسمت ب بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی با بیان اینکه «فرصت و امکانات کافی برای تدارک دفاعیاتش داشته باشد»، حق مزبور را به‌عنوان یکی از تضمینات مهم مورد تأکید قرار داده‌اند.

در نظام حقوقی ایران مفهوم «برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه» تصریحاً مورد حکم قانون‌گذار قرار نگرفته و در هیچ متنی به آن اشاره نشده است؛ اما به‌منظور برقراری توازن میان مقامات دادرسی و ارائه دفاعی مؤثر از سوی متهم، نیاز است تا شاکی و دادستان هر کدام از حقوقی بهره‌مند گردند و امکاناتی جهت دفاع از ادعای خود داشته باشند که در قوانین آیین دادرسی کیفری، برخی از مصادیق امکانات و تسهیلاتی که طرف‌های دعوای کیفری باید در اختیار داشته باشند، مقرر شده است. از جمله در بخش اول از قسمت کلیات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، رعایت حقوق طرفین مورد تضمین قرار گرفته است. لازم به توضیح که برخی از این حقوق منحصر به متهم و برخی مشترک بین متهم و شاکی است.

۱-۱. حق آگاه شدن از اتهامات^۴

گفته شده است که حق همسانی نسبی میان دادستان و متهم با حق آگاه شدن فوری متهم از اتهام‌های کیفری پیوستگی دارد. حق آگاه شدن از موضوع اتهام، خود از حقوق اساسی هر شخصی است که در برخی از عبارات حقوقی از آن به «دادن اخطار مناسب در زمینه اتهام‌ها» و یا «حق متهم بر اینکه عنوان اتهام به او گفته شود» یاد

۱. آشوری، محمد، «نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امر کیفری»، مجله مجتمعه آموزش عالی قم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۸، ص. ۵۴.
۲. امیدی، جلیل، «دادرسی کیفری و حقوق بشر»، مجلس و پژوهش، شماره ۳۸، ۱۳۸۲، ص. ۱۲۱.
۳. سازمان عفو بین‌الملل، دادرسی عادلانه، ترجمه فریده طه؛ و لیلا اشرافی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص. ۹۲.
۴. حقی که اصل سی‌ودوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن تأکید دارد.

می‌شود.^۱ هر چند حق آگاهی از موضوع و دلایل اتهام، مقدمه واجب هرگونه بازجویی از متهم به شمار می‌رود، اما باید این تفهیم اتهام منجر به ایجاد وضعیت برای متهم گردد که او مهلت و مجال مناسب و زمان کافی برای آماده کردن دفاعیات خود را بیابد. به عبارت دیگر، فهمیدن اتهام باید مجالی باشد تا متهم، خود را برای پاسخ به بازپرس و فراهم کردن دفاعیه مناسب و موثر آماده سازد. از این‌رو، آگاهی متهم نباید تنها به موضوع و دلایل اتهام منحصر گردد. در واقع، وی باید از مواد قانونی ناظر به اتهام خود و به‌طور کلی تمام اسناد و مدارکی که مستند ادعای مدعی است^۲ و همچنین از هر حقی از حقوق دفاعی خود در این مرحله از رسیدگی آگاه شود.^۳

علاوه بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در قسمت الف بند ۳ ماده ۱۴ اعلام می‌دارد که متهم باید «سریعاً و به تفصیل، به زبانی که می‌فهمد از ماهیت و دلایل اتهام علیه خود آگاه شود» قسمت الف بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی از حقوق متهم این حق را برمی‌شمرد که در کوتاه‌ترین زمان و با تفصیل به زبانی که می‌فهمد، از ماهیت و دلیل اتهام آگاه شود. رویه قضایی مراجع ناظر این دو سند نیز بر این حق و ویژگی‌های «تفصیلی بودن تفهیم» و «فوری بودن» آن تأکید دارند.

حق تفهیم اتهام به صورت عام باید در تمامی مرحله‌های رسیدگی کیفری صورت گیرد تا از اشتباهات احتمالی مقامات مرحله پیشین در امر تفهیم اتهام ممانعت به عمل آید. قانون‌گذاری جدید به حق اطلاع طرف‌های دعوای کیفری از حقوق خویش تصریح دارد.^۴ همچنین ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از وظایف بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی پیش از هر اقدام دیگر را آگاه کردن و فهماندن اتهام و دلایل آن‌را به صورت واضح به متهم دانسته است و براساس ماده ۱۹۶، ضمانت اجرایی نیز برای تخلف از این تکلیف مقرر کرده است.

لکن قانون‌گذار تنها بر صریح بودن تفهیم اتهام و نه بر تفصیلی بودن آن تأکید کرده است. این در حالی است که به‌منظور تحقق دادرسی منصفانه، تفهیم اتهام پیش از محاکمه باید به صورت تفصیلی بیان شود. کمیته حقوق بشر بر این دیدگاه تأکید دارد که اطلاعاتی که به متهم داده می‌شود باید هم بر قانون و هم بر حقایق و موضوعاتی که

۱. کاشانی، سیدمحمود، استانداردهای جهانی دادگستری: نقد و بررسی قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نشر میزان، ۱۳۸۳، ص. ۲۰.

۲. امیدی، جلیل، پیشین، ص. ۱۳۰.

۳. اردبیلی، محمدعلی، «تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام»، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵، ص. ۶۱.

۴. برای مثال می‌توان به مواد ۵ و ۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اشاره کرد.

اتهام بر پایه آن شکل گرفته است، دلالت داشته باشد.^۱ کمیسیون اروپایی نیز بر این نظر است که اطلاعات ارائه شده به متهم، باید شامل موضوعات موردنیاز جهت توانا کردن متهم برای تهیه دفاعیه باشد؛ و نه فقط دلایلی که اتهام بر پایه آنها تشکیل شده است.^۲

۲-۱. حق دسترسی طرف‌های دعوای کیفری به مترجم

یکی از لوازم بهره‌مندی از امکاناتی نظیر آگاهی از کلیه حقوق، دسترسی به اطلاعات پرونده، آشنایی و فهم زبان مقام قضایی است که این حق باید به صورت تأکید بر حق داشتن مترجم برای تمامی طرف‌های دعوای کیفری پیش‌بینی گردد که در صورت ناتوانی در درک، این زبان برای او ترجمه و تفهیم شود. در هر صورت حق مزبور به صورت مطلق باید در تمامی مرحله‌های رسیدگی کیفری مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد. اسناد بین‌المللی این حق را مورد تصریح قرار داده‌اند؛ از جمله قسمت الف بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مورد مرحله تحقیقات مقدماتی بیانگر آن است که متهم حق دارد «در اسرع زمان و به زبانی که وی بفهمد، از نوع و علل اتهامی که به وی نسبت داده می‌شود، آگاه گردد». این حق با عبارتی مشابه در بند ۲ ماده ۵ و همچنین در قسمت الف بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی نیز بر این امر در هنگام تفهیم اتهام اشاره دارد. حق مذکور در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.^۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در قسمت ج از بند ۱ ماده ۵۵ یکی از حقوق متهم در مرحله تحقیقات را این مقرر می‌کند که «متهم باید از مساعدت رایگان یک مترجم توانا بهره‌برد. مساعدت مترجم در صورتی است که بازجویی‌ها از اشخاص به زبان دیگری غیر از زبانی که شخص کاملاً درک و صحبت می‌کند، صورت گیرد.» در این میان، این دیدگاه وجود دارد که زبانی که متهم کاملاً درک کند، لزوماً زبان مادری او نیست.^۴

قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً در مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ بازپرس را مکلف به تعیین مترجم رسمی یا مورد وثوق برای تمامی طرف‌های رسیدگی کیفری اعم از متهم،

1. Human Rights Committee General Comment 13, Para. 8.

۲. در قضیه (X) علیه بلژیک (۷۶/۷۶)، می ۱۹۷۷ و در پرونده (Ofner) علیه اتریش، دسامبر ۱۹۶۰.

۳. بند ۳ ماده ۱۸ اساسنامه دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی، یکی از حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی را حق ترجمه مطالب به زبان قابل درک و زبانی که به آن تکلم می‌کند، می‌داند و در ماده ۵۵ مشترک آیین دادرسی و ادله دو دادگاه یوگسلاوی و رواندا بر رایگان بودن ترجمه در این دادگاه‌ها تأکید شده است.

۴. صابر، محمود، آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی، دادگستر، ۱۳۸۸، صص. ۲۵۱-۲۵۲.

بزه‌دیده، شاهد و ... در طول مدت تحقیقات مقدماتی کرده است.^۱ نکته قابل توجه این است که در مواد مزبور، حق برخورداری از مترجم به صورت مطلق برای تمامی طرف‌ها مورد شناسایی قرار گرفته و با پیش‌بینی چنین حقی برای تمامی طرف‌های دعوا در مرحله تحقیقات مقدماتی، گامی به‌سوی برابری طرف‌ها در بهره‌مندی از این حق برداشته شده است. این در حالی است که در قانون قبلی چنین حقی در مرحله تحقیقات مقدماتی پیش‌بینی نشده بود.

۱-۳. حق برخورداری طرف‌های دعوای کیفری از وکیل

یکی از مهم‌ترین ابزارها و شرایط فنی که تضمین آن در جهت متوازن کردن طرف‌های دعوا ضروری است، حق بهره‌مندی از وکیل و مشاور حقوقی، به‌ویژه برای اشخاص بازداشتی در مرحله تحقیقات مقدماتی است. در حقوق برخی کشورها اصل برابری سلاح‌ها نخست با ایجاد توازن در حق بهره‌مندی طرف‌های دعوا از وکیل مدافع تحقق پیدا کرده است. امروزه با دور شدن از سیستم تفتیشی و نزدیک شدن به سیستم اتهامی، حق برخورداری از مشاور حقوقی در مرحله‌های پیش از رسیدگی در دادگاه اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است.

اسناد و مقررات بین‌المللی الزام‌آور حقوق بشر هرچند به‌طور کلی به بیان حق بهره‌مندی از وکیل پرداخته‌اند، اما «گستره این حق تمامی مرحله‌های رسیدگی را از جمله مرحله تحقیقات مقدماتی را دربر می‌گیرد.»^۲ رویکرد مراجع نظارتی و تفسیرکننده آنها نیز در تبیین حق مزبور در مرحله تحقیقات مقدماتی صریح و روشن‌گر بوده است. از این‌رو کمیته حقوق بشر تأکید می‌کند که حق اشخاص در منصفانه بودن دادرسی این است که متهم بتواند در مرحله تحقیقات، بازجویی و بازداشت از مشاور حقوقی برخوردار شود.^۳ جدای از این جامعه جهانی در چارچوب ضوابط و اسناد مختلف دیگر نیز به این مهم پرداخته است.

۱. قابل توجه اینکه مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ قانون تنها ناظر به تحقیقات بازپرس است و شامل تحقیقات ضابط دادگستری نمی‌گردد و قانون تصریحی به برخورداری شخص مظنون تحت نظر ضابط دادگستری از چنین حقی، حتی در زمان تفهیم اتهام، ندارد. ر.ک: نصراللهی، زهره، تحلیل اصل برابری سلاح‌ها با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۳، ص. ۴۶.

۲. صابر، محمود، آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی، پیشین، ص. ۲۴۵.

3. Amnesty International Fair Trials Manual, section A, Available at: <http://www.amnesty.org/ailib/intcam/fairt>.

در حقوق ایران با وجود قوانین خاص^۱ می‌توان نتیجه گرفت که دادسرا و دادگاه مکلف به پذیرش وکیل مدافع بدون محدودیت در تمامی اتهامات هستند.^۲ از سوی دیگر با سابقه‌ای که از حق بهره‌مندی طرف‌های دعوا از حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی وجود داشت، در قانون آیین دادرسی کیفری جدید نوآوری‌هایی در زمینه بهره‌مندی از وکیل برای طرف‌های دعوا در مرحله تحقیقات مقدماتی داشته که قابل توجه، بررسی و تحلیل است.

اگرچه قانون‌گذار ایران به صراحت این حق را به صورت برابر در یک ماده برای متهم و شاکی به رسمیت نشناخته است، اما می‌توان از مضمون ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که اعلام می‌کند «شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند...»، به بهره‌مندی شاکی از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی پی‌برد.

از سوی دیگر در خصوص متهم نیز قانون‌گذار داشتن یک وکیل در مرحله تحقیقات را در ماده ۱۹۰ اشاره کرد. ماده ۱۹۰ این قانون به همراه پذیرش حق بهره‌مندی متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، تضمینات دیگر مانند تفهیم این حق به متهم، حق وکیل بر اطلاع از اتهام و دلایل آن و بیان مطالبی برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون را نیز به رسمیت شناخته است.

لکن به نظر می‌رسد که با الحاق تبصره ۳ به همین ماده و ابهام در منظور تبصره مذکور، راه برای برداشت و تفسیرهای متفاوت از آن باز می‌ماند و در نتیجه امکان محدودیت در حق داشتن وکیل مدافع ایجاد گردد. با این توضیح که تبصره ۳ به صورت کلی اعلام می‌کند که «در مورد این ماده و نیز چنانچه اتهام مطرح مربوط به منافی عفت باشد، مفاد ماده ۱۹۱ جاری است». از جهتی نیز ماده ۱۹۱ در مقام بیان ممانعت از دسترسی به «تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده» تحقیقاتی است؛ البته در صورتی که بازپرس دسترسی وکیل مدافع را «با ضرورت کشف حقیقت منافی بدانند یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد» که در این صورت بازپرس باید قرار مستدل و موجه عدم دسترسی به آنها صادر کند.

۱. برپایه بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ محاکم و دادسراها، مکلف به رعایت حقوق دفاعی متهم و تمهید فرصت لازم جهت استفاده از وکیل مدافع، بدون قید و شرط، شده‌اند. همچنین حق برخورداری از وکیل و اقتضات این حق در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که همانند قوانین داخلی برای کشور ایران لازم‌الاجرا است، مورد تأکید واقع شده است. همچنین اصل سی‌وپنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بر تضمین چنین حقی تصریح دارد.

۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، انتشارات سمت، چاپ دهم، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۳.

اما منظور تبصره مزبور چیست و تبصره در حال محدود کردن چه موردی از ماده ۱۹۰ است؟ این مسأله‌ای است که می‌تواند پاسخ‌های متفاوت و برداشت‌های گوناگونی را در پی داشته باشد.

از سوی دیگر رعایت برابری طرف‌های دعوا جهت مقابله با یکدیگر در یک دعوای کیفری ایجاب می‌کند که به شخص فاقد امکانات مالی نیز در مرحله تحقیقات مقدماتی اجازه داده شود تا بتواند از همان شروع دعوای کیفری از کمک و مشاوره وکیل مدافع بهره‌مند باشد.^۱ از این رو قسمت ب بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر می‌دارد که هر متهمی حداقل دارای این حق است که «در صورتی که منابع کافی جهت پرداخت هزینه وکیل یا مشاور را نداشته باشد، تا جایی که منافع و مصالح عدالت ایجاب می‌کند، از خدمات وکیل به صورت مجانی برخوردار شود.» قسمت د بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز حق برخورداری از خدمات حقوقی رایگان را برای متهم مدنظر قرار می‌دهد.

قانون‌گذار ایران در تبصره ۲ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس در این مرحله برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.» از منطوق تبصره موردنظر می‌توان چند نکته را برداشت کرد. نخست آنکه در مرحله تحقیقات مقدماتی، متهم تنها در خصوص جرایمی که کیفر سلب حیات یا حبس ابد داشته باشد، از این حق برخوردار است. بنابراین در سایر موارد اتهامی، از این حق اساسی که در راستای اعمال اصل برابری سلاح‌ها می‌باشد، محروم است. این در حالی است که قانون‌گذار بین‌المللی این حق را در دو سند یادشده مقید به هیچ قیدی نکرده است، مگر دو شرط «ناتوانی در پرداخت هزینه وکیل» و «رعایت مصالح عدالت».

نکته دیگر اینکه قانون‌گذار هیچ تصریحی در مورد «ناتوانی متهم از داشتن وکیل» و «رایگان بودن خدمات حقوقی» ندارد. از این رو به نظر می‌رسد که به‌طور کل هدف از تدوین تبصره ۲ ماده ۱۹۰ تنها تأکید بر ضرورت حضور وکیل در جرایم با کیفرهای یادشده در مرحله تحقیقات مقدماتی است و قانون‌گذار دغدغه‌ای در زمینه ناتوانی متهم از بهره‌مندی از این حق در خصوص تمامی جرایم در مرحله تحقیقات مقدماتی ندارد. بنابراین بدون شک در سایر اتهامات که متهم ناتوان از داشتن وکیل است، با عدم پیش‌بینی چنین تضمینی از سوی قانون‌گذار به نابرابری وی در برابر

۱. آشوری، محمد، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶، ص. ۱۵۷.

دادستان دامن زده می‌شود و او نخواهد توانست که از این امکان اساسی و بنیادین بهره‌مند گردد و در وضعیت بسیار نامناسبی نسبت به دادستان قرار می‌گیرد. از سوی دیگر قانون‌گذار تصریحی بر بهره‌مندی شاکی یا مدعی خصوصی از وکیل تسخیری در این مرحله ندارد.

۲. تمهیدات تقویت‌کننده حضور فعال طرف‌های درگیر

برابری سلاح‌ها اقتضا دارد که طرف‌های دعوا بتوانند در شرایطی برابر، در امور مختلف از خود دفاع کنند تا به این وسیله به تعادل برسند. این امر با ترافعی شدن مرحله تحقیقات مقدماتی به وقوع می‌پیوندد، زیرا از نظر کمیسیون سابق اروپایی حقوق بشر، برای آنکه انصاف مقرر در ماده ۶ در مرحله تحقیقات مقدماتی به تحقق پیوندد، باید از لحاظ تقنینی رعایت برابری طرف‌ها در ترافعی شدن تحقیقات مقدماتی متجلی گردد.^۱ مسلم است که این مهم مستلزم شناسایی حقوق و تمهیداتی برای متهم و شاکی و وکیلان آنها و برخی از اشخاص دیگر و در طول تحقیقات بازپرس است.

۲-۱. حضور و اظهار نظر طرف‌های دعوا در تحقیقات مقدماتی

یکی از الزامات اساسی در یک دادرسی منصفانه که با اصل برابری طرف‌های دعوا ارتباط دارد، حق حضور متهم و شاکی در رسیدگی‌های کیفری است. این حق برای تمامی طرف‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است. چرا که موجب ارزیابی اظهارات متهم در مقایسه با اظهارات بزه‌دیده و شهود می‌شود. به عبارت دیگر از یک سو، عنصر مهمی در حق دفاع شخصی است و از سوی دیگر توانایی روبه‌رو شدن متهم با دادستان و واردکننده اتهام بر اعتبار رسیدگی می‌افزاید و به کشف حقیقت کمک می‌کند. این حق در قسمت د بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به این صورت «متهم حق دارد در محاکمه حاضر شود» در خصوص متهم مورد تصریح قرار گرفته است.

از سوی دیگر، صرف نمایندگی بزه‌دیده توسط دادستان نیازهای آتی و مهم وی را تأمین نمی‌کند و باید حقوق متعددی برای وی نیز در فرآیند رسیدگی در نظر گرفت. از جمله این حقوق، به رسمیت شناختن حضور وی در فرآیند دادرسی است. یعنی شاکی علاوه بر اقامه دعوا حق بیان نظر و آگاهی از پرونده را داشته باشد. زیرا حضور

۱. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، پیشین، ص. ۱۲۴.

کم‌رنگ یا بی‌رنگ بزه‌دیده در رسیدگی کیفری در برخی از جرایم بزه‌دیده را دچار بزه‌دیدگی و احساس ضعف مضاعف می‌کند.^۱

هرچند امروزه در قوانین بسیاری از کشورها بر ضرورت برابری سلاح‌ها و توازن نسبی متهم، شاکی و دادستان با هدف تحقق دادرسی منصفانه تأکید می‌گردد، اما هنوز در حقوق ایران شاکی از حقوقی برخوردار است که همانند آن برای متهم وجود ندارد؛ زیرا در ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ حضور شاکی در مرحله تحقیقات بازپرسی به رسمیت شناخته شد، در حالی که چنین حقی برای متهم به صراحت تضمین نگردیده است.

نکته دیگر این است که هرچند عدم حضور یا امتناع شاکی از حضور در نزد بازپرس به‌ویژه در جرایم غیرقابل‌گذشت، مانعی در مسیر انجام تحقیقات تلقی نمی‌گردد.^۲ چنانچه شاکی در هنگام ارجاع پرونده حضور نداشته باشد، طبق مقررات احضار می‌شود، اما هیچ‌گاه شاکی به دلیل بی‌اعتنایی به احضاریه و عدم حضور در نزد بازپرس جلب نمی‌شود. یعنی جلب شاکی از سوی مقامات قضایی فاقد مجوز قانونی است. این در حالی است که جلب متهم براساس ماده ۱۷۹ قانون و جلب شاهد یا مطلع براساس تبصره ماده ۲۰۴ قانون در صورت عدم حضور در نزد بازپرس به رسمیت شناخته شده و حتی تبصره ۲ ماده ۱۸۴ قانون جدید، جلب سیار متهم توسط شاکی را نیز به رسمیت شناخته است.^۳

نکته دیگر این است که هرچند براساس ماده ۲۶۲ پس از پایان تحقیقات و وجود دلایل کافی بر وقوع جرم متهم یا وکیل او احضار می‌شوند و می‌توانند به‌عنوان آخرین دفاع، هر اظهارنظری بیان دارند؛ اما قانون‌گذار هیچ صراحتی بر اینکه متهم بتواند در طول تحقیقات اظهارنظر داشته باشد، ندارد و تنها در قسمت آخر ماده ۱۹۰ قانون‌گذار با مقرر کردن عبارت «وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت‌مجلس نوشته می‌شود»، قدمی به‌سوی حضور فعال وکیل مدافع متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است که نسبت به قوانین آیین

۱. غلامی، حسین، پیشین، صص. ۶۲-۶۴.

۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، پیشین، ص. ۱۲۲.

۳. تبصره ۲ ماده ۱۸۴ مقرر می‌دارد: «در صورت ضرورت بازپرس می‌تواند برگه جلب را برای مدت معین در اختیار شاکی قرار دهد تا با معرفی او، ضابطان حوزه قضایی مربوط، متهم را جلب و تحویل دهند.»

دادرسی کیفری پیشین ایران از لحاظ حقوق دفاعی متهم پیشرفت مهمی به شمار می‌آید.

با این حال که به نظر می‌رسد اختیارات وکیل در این مرحله نیز محدود به اظهار مطالب لازم «برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون» شده است و حال آنکه «مداخله وکیل در تحقیقات عبارت است از پاسخگویی از طرف متهم، طرح سؤال از شاکی یا شاهد او توسط بازپرس و به هر درخواست قانونی دیگری گفته می‌شود که وکیل متهم بتواند به‌عنوان وکیل او و برای رد اتهام منتسب به وی مطرح سازد.»^۱ اما به نظر می‌رسد که تبصره ماده ۱۹۵ و ماده ۲۶۲ حاکی از حضور فعال وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی است.

۲-۲. حق دسترسی به پرونده تحقیقات مقدماتی

یکی از تضمینات اساسی برای تحقق توازن طرف‌های دعوا که نشان از حضور فعال ایشان نیز می‌باشد، حق دسترسی و مطالعه اطلاعات تحقیقاتی توسط طرف‌ها یا وکلای آنها است. حقی که بر ترافعی شدن هرچه بیشتر تحقیقات می‌افزاید و از بار سرنی بودن مرحله تحقیقات مقدماتی می‌کاهد.

بر این پایه، متهم یا وکیلش باید به اطلاعات لازم از جمله اسناد، و سایر ادله و مدارکی که به آنها در ارائه دفاعیاتشان کمک می‌کند، دسترسی داشته باشند،^۲ زیرا از نظر کمیته حقوق بشر، چنین اطلاعاتی فرصتی را برای متهم ایجاد می‌کند که از اظهارنظرهای ثبت‌شده و مدارک مورد استناد دادستان آگاه شود و در مورد آنها اظهارنظر کند.^۳ کمیسیون اروپایی حقوق بشر نیز معتقد است که حق برخورداری از تسهیلات کافی برای تهیه دفاعیه دلالت بر حق دسترسی معقول به بایگانی‌های دادستان را دارد.^۴ از سوی دیگر بر پایه بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که مقرر می‌دارد «هر شخصی حق دارد که به دعوایش منصفانه رسیدگی شود» بدیهی است که این‌گونه رسیدگی ایجاب می‌کند که تحقیقات مقدماتی جنبه ترافعی به خود

۱. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۵.

۲. اصل ۲۱ اصول بنیادین نقش وکلا و بند ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز بر حق متهم و وکیل وی بر دسترسی به اطلاعات دادستان تأکید دارند. ر. ک: سازمان عفو بین‌الملل، پیشین، ص. ۹۴.

3. See Human Rights Committee General Comment 13, Para. 9; Foucher Case, European Court, 25 EHRR 234.

۴. در قضیه X علیه اتریش (Austria)، (۷۵/۷۱۳۸)، ۵ جولای ۱۹۷۷.

بگیرد و تمامی طرف‌ها، یعنی علاوه بر متهم و وکیل مدافع، شاکی و وکیل وی نیز در مرحله بازپرسی از محتویات پرونده مطلع گردد.^۱

در حقوق ایران، پس از تغییر و تحولات قوانین پیشین در به رسمیت شناختن حق دسترسی به اطلاعات تحقیقاتی که در مورد متهم و شاکی وجود داشت، اگرچه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ حق دسترسی متهم و شاکی یا وکلای آنان به پرونده تحقیقاتی به رسمیت شناخته، اما در برخی از جرایم این حق را از شاکی و متهم سلب کرده است. قانون‌گذار در ماده ۱۹۱ با این بیان که «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافای بداند، یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد. با ذکر دلیل قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند» بدون اینکه صراحتی بر گیرنده اطلاعات کلی یا جزئی پرونده تحقیقاتی داشته باشد، تنها موارد عدم دسترسی به پرونده تحقیقاتی را اعلام می‌کند. از سوی دیگر قانون‌گذار در ماده ۱۰۰ با اعلام اینکه «شاکی می‌تواند ... صورت‌مجلس تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند و یا به هزینه خود از آنها تصویر یا رونوشت بگیرد» به صراحت حق شاکی بر دسترسی و مطالعه پرونده تحقیقاتی را مقرر می‌دارد.

با وجود این، به دلیل صراحت ماده فوق در خصوص برخورداری شاکی از این حق و قرار داشتن ماده ۱۹۱ در مبحث «احضار، جلب و تحقیق از متهم» و به این دلیل که ماده ۱۹۱ از ابلاغ حضوری قرار عدم دسترسی بازپرس به هریک از متهم یا وکیل مدافع سخن می‌گوید. بنابراین به نظر می‌رسد که اطلاق ماده ۱۹۱ ناظر بر متهم و وکیل مدافع است. با این وجود قانون جدید صراحتی در بیان این حق در خصوص متهم ندارد. دومین نکته اینکه قانون‌گذار جدید در ماده ۱۰۰ و تبصره‌های آن و ماده ۱۹۱، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی را در دسترسی شاکی یا وکیل مدافع به پرونده تحقیقاتی مقرر کرده است که خود جای بررسی و تحلیل دارد. بر پایه ماده ۱۹۱ در صورتی که بازپرس تشخیص دهد که «مطالعه پرونده با ضرورت کشف حقیقت منافات دارد» یا «موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد» با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به پرونده تحقیقاتی صادر می‌کند که «این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند.» در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ نیز مقرر شده است که اگر بازپرس مطالعه یا دسترسی شاکی به تمام یا برخی از پرونده

۱. آشوری، محمد، عدالت کیفری، پیشین، ص. ۱۵۹.

تحقیقاتی را «منافی با ضرورت کشف حقیقت بدانند» با ذکر دلیل قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند، که این قرار نیز حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. با توجه به مطالب فوق، شاکی و وکیل متهم از دسترسی به پرونده تحقیقاتی در صورت «منافات با ضرورت کشف حقیقت» ممنوع می‌گردند و با صدور قرار هر دو حق اعتراض دارند.

از سوی دیگر به موجب تبصره ۲ ماده ۱۰۰ ارائه اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده^۱، منافی عفت و اسناد و مدارک مربوط به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی به شاکی ممنوع است. بدین ترتیب شاکی به نص صریح قانون‌گذار از مطالعه و دسترسی به این سه مورد بدون صدور هیچ قرار ممنوع می‌گردد.

با توجه به مطالب بیان شده شاید در ظاهر به نظر بیاید که شاکی و متهم در حق دسترسی به اطلاعات پرونده تحقیقاتی به تعادل رسیده‌اند، اما در واقع این گونه نیست و مواردی را می‌توان در این راستا بر شمرد. از جمله اینکه تنها بازپرس برای ممنوعیت شاکی از دسترسی به پرونده تحقیقاتی در هنگامی که دسترسی منافات با کشف حقیقت دارد مکلف به صدور قرار مستدل مبنی بر عدم دسترسی شاکی است و در محدودیت‌های تبصره ۲ ماده ۱۰۰ چنین تکلیفی را ندارد و این در حالی است که براساس ماده ۱۹۱ همین قانون ممنوعیت وکیل متهم از دسترسی به اطلاعات در تمامی موارد محدودیت با صدور قرار عدم دسترسی، قابل شکایت است. از سویی نیز جای سؤال پیش می‌آید که آیا تمامی این ممنوعیت‌ها در راستای رعایت اصل برابری طرف‌های دعوا صورت گرفته است یا تنها تحقیقات در خصوص این نوع جرایم را به سوی غیرترافیکی کردن و سری کردن هرچه بیشتر سوق می‌دهد. در پاسخ به نظر می‌رسد که این دیدگاه شایسته بیان باشد که اگر همه طرف‌های دعوا از مطالعه پرونده محروم شوند، اصل ترافیکی بودن رعایت نشده است.^۲ لکن محروم کردن همه طرف‌های دعوا از دسترسی به پرونده تحقیقاتی در برخی از جرایم و نقض اصل ترافیکی بودن، نشانگر سری کردن هرچه بیشتر تحقیقات و نشان از رویکردی تفتیشی به مرحله

۱. بر پایه ماده ۱ قانون مجازات افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳ و ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۵۴، اسناد طبقه‌بندی شده به دو دسته سری (به کلی سری و سری) و محرمانه (به کلی محرمانه و محرمانه) تقسیم می‌شوند که «اسناد سری، اسنادی هستند که افشای آنها مغایر با مصالح دولت یا مملکت است و موجب تزلزل امنیت دولت و مردم می‌شود. در حالی که اسناد محرمانه این ویژگی را نداشته و افشای آنها مغایر با مصالح خاص اداری سازمان‌های مربوطه می‌شود.»

2. Sudre, Fredric, Les Grands Arrêts de la Cour Européenne des Droits de L'homme, P.U.F, Paris, 4eme Ed., 2007, p. 309.

تحقیقات مقدماتی است. این در حالی است که تحقق اصل برابری طرف‌ها در سایه دور شدن از نظام تفتیشی و نزدیک شدن به اصول و ویژگی‌های نظام اتهامی امکان‌پذیر است.^۱

از سوی دیگر، در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی شاکی معمولاً حکومت یا شخص حقوقی یا حقیقی وابسته به حکومت است. بنابراین جای سؤال و شگفتی باقی می‌ماند که آیا اصلاً چنین ممنوعیتی (ممنوعیت تبصره ۲ ماده ۱۰۰ قانون) واقعیت پیدا می‌کند. چگونه متهم این گونه جرایم و به‌ویژه وکیل مدافع وی می‌تواند در برابری نسبی با شاکی این پرونده (که در اکثر این جرایم خود حکومت است) در دسترسی به اطلاعات تحقیقاتی قرار گیرد، در حالی که وکیل مدافع براساس ماده ۱۹۱ ممنوع از دسترسی به اطلاعات تحقیقاتی در جرایمی است که قطعاً در زمره جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی قرار می‌گیرد. هرچند از رهگذر شکایت از چنین فراری و با اعمال کنترل‌های دادگاه‌های بالاتر، بتوان به ایجاد تعادل و توازن از دست‌رفته متهم در برابر دادستان امیدوار شد.

اگرچه یکی از لوازم دادرسی منصفانه استقلال قضات و به‌ویژه قضات تحقیق به لحاظ نهادی و شخصی از نفوذ و کنترل قدرت سیاسی یا اجرایی است، اما این تضمین به‌تنهایی کافی نیست و نیازمند تضمین ابزار و امکانات لازم برای متهم جهت ارائه دفاعیه نیز هست.^۲ لزوم این تضمین در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی نه‌تنها کم نیست، بلکه اهمیت آن دو چندان نیز می‌گردد، زیرا «به دلیل تقابل مستقیم شخص و حکومت، حقوق متهم در روند دادرسی کیفری بیشتر در معرض تجاوز قرار دارد و حمایت بیشتری از وی باید صورت گیرد. امری که قانون‌گذار ما خلاف آنرا مقرر می‌دارد.»^۳ از سوی دیگر، متهمان این‌گونه جرایم براساس بند الف ماده ۳۰۳ قانون در دادگاه انقلاب مورد محاکمه قرار می‌گیرند و «عموماً در این نوع دادگاه‌ها متهم در یک نابرابری آشکار در مقایسه با مقامات پیگرد قرار می‌گیرد و در کم موردی می‌تواند از حق داشتن وکیل به‌گزینش خود و دسترسی به مدارک اتهام، به‌طور کامل بهره‌مند گردد و ویژگی و طبیعت این دادگاه‌ها تا کنون موجب شده است که متهمان این دادگاه در دفاع از جان و مال و آزادی خود از یک دفاع کافی برخوردار نباشند.»^۴

۱. صابر، محمود، آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی، پیشین، ص. ۱۴۴.

۲. آشوری، محمد، نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امر کیفری، پیشین، ص. ۵۴.

۳. خالقی، علی، پیشین، ص. ۱۴۸.

۴. کاشانی، سیدمحمود، پیشین، ص. ۲۰۴.

۲-۳. درخواست انجام هرگونه اقدام تحقیقاتی برای طرفین

بر پایه اندیشه و چارچوب اصل برابری طرف‌های دعوا، از تمهیدات اساسی در جهت تقویت حضور فعال طرف‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی که قانون‌گذاران جدید بسیاری از کشورها^۱ خود را مکلف به فراهم کردن آن می‌دانند، پذیرش درخواست همه طرف‌ها در انجام هرگونه اقدام یا تحقیقی است که به کشف حقیقت کمک کند.

برخی بر این باورند که در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸، حق درخواست انجام تحقیقات لازم برای کشف حقیقت به‌منزله حقی برای طرف‌های دعوا شناخته نشده؛ اگرچه منعی نیز در این زمینه از سوی قانون‌گذار بیان نشده است.^۲ در جهت تحلیل این حق در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، می‌توان گفت که ماده ۷۶ قانون مذکور مقرر می‌دارد که دادستان پیش از آنکه تحقیق در جرمی را از بازپرس بخواهد، می‌تواند اجرای برخی از تحقیقات و اقدامات لازم را از بازپرس تقاضا کند و بازپرس نیز تنها مکلف به انجام تحقیق یا اقدام مورد تقاضای دادستان است. همچنین در قسمتی از ماده ۱۰۵ آمده است که: «بازپرس در جریان تحقیقات، تقاضای قانونی دادستان را اجرا و مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند.» همچنین پس از پایان تحقیقات براساس ماده ۲۶۶ دادستان اگر تحقیقات را کامل نداند، می‌تواند تکمیل مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است، بخواهد. در این مورد براساس تبصره ماده مذکور اگر درخواست تکمیل تحقیقات برای کشف حقیقت لازم نباشد، محکومیت نظامی تا درجه سه برای دادستان لحاظ شده است.

این در حالی است که قانون آیین دادرسی کیفری براساس ماده ۲۶۲ تنها پس از پایان تحقیقات به‌صراحت حق مذکور را تنها برای متهم یا وکیل وی در ارائه مدرکی که در کشف حقیقت یا براءت موثر باشد، به رسمیت می‌شناسد و حق درخواست انجام تحقیق را به‌صراحت برای متهم و شاکی یا وکیل وی مقرر نکرده است و تنها در راستای به‌توازن رساندن دو طرف دعوا، شاکی و متهم را در برخی از موارد مانند تحقیقات محلی و درخواست کارشناس و در احضار گواه یا شخص آگاه مجاز به درخواست دانسته است، زیرا براساس مواد ۱۲۳ و ۱۵۵ این قانون، درخواست تحقیق محلی یا معاینه محل و انجام کارشناسی برای شاکی و متهم پیش‌بینی شده است.

۱. براساس قوانین ۲۴ اوت ۱۹۹۳ و ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ فرانسه، طرف‌های دعوا می‌توانند انجام هرگونه اقدام یا تحقیقی را که به کشف حقیقت کمک می‌کند، درخواست نمایند (ساقیان، محمدمهدی، ص. ۹۹).

۲. همان.

۲-۴. حق معرفی شهود و پرسش از آنها

بر پایه این اندیشه که عدالت کیفری متضمن دادرسی منصفانه نسبت به متهم و رفتار منصفانه نسبت به شاکی یا بزه‌دیده و رعایت حقوق جامعه است، شناخت حق بهره‌مندی طرف‌های دعوا از گواه و حمایت از شهود همه طرف‌های دعوا یکی از راهکارهای اساسی در راستای تضمین برابری و توازن طرف‌ها قلمداد می‌گردد که در سطح بین‌المللی نیز بر آن تأکید گردیده است. از این‌رو علاوه بر اینکه هریک از طرف‌ها حق معرفی شهود موافق خود و پرسش از شهود مخالف خود را دارند، شهود نیز حق برخورداری از تدابیر حمایتی در مواجهه را داشته باشند.

در یک طرف دعوای کیفری، بزه‌دیده جرم مکلف به اثبات ادعای خود است و «اگرچه دادستان نیز بنا بر وظیفه قانونی خود، او را یاری می‌رساند اما نقش عمده بزه‌دیده این است که مدارکی را در مورد آسیب و زیانی که متحمل شده است ارائه دهد.»^۱ حال اگر دلیل بزه‌دیده یا شاکی پرونده، شهادت شهود باشد یا خود در جایگاه شاهد قرار گیرد،^۲ او باید بتواند از حق خود مبنی بر معرفی شهود به مرجع قضایی و شهادت شهود به نفع خود بهره ببرد. از سوی دیگر در طرف دیگر دعوای کیفری ممکن است متهم برای مواجهه با دلایل شاکی پرونده و یا دادستان یا به‌منظور شهادت بر بی‌گناهی خود، اقدام به معرفی شهودی نماید. از این‌رو اگر این حق مسلم برای هریک از طرف‌ها به دلیل تهدید و عدم‌حمایت از گواهان، نقض گردد، بی‌گمان آسیب اساسی به برابری طرف‌ها و اجرای عدالت وارد خواهد آمد.

در مورد حق طرف‌ها در معرفی و احضار شهود خود در مرحله تحقیقات مقدماتی در حقوق ایران و آیین دادرسی کیفری پیشین به صراحت مقرره‌ای مشاهده نمی‌شود اما از مفاد مقررات مربوط به «شروع و کیفیت تحقیقات»، «معاینه محل و تحقیقات محلی» و «تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات جرم» استنباط می‌شد که در این مرحله متهم حق دارد به اقدامات و اظهارات علیه خود به‌طور محدود واکنش نشان دهد و شهودی را معرفی نماید،^۳ اما در قانون جدید قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اینکه قانون‌گذار جدید در صدر ماده ۱۰۰ به صراحت از حق شاکی در

1. Wasek - Wiaderek, Malgorzata, The Principle of Equality of Arms in Criminal Procedure Under Article 6 of the Human Rights and its Functions in Criminal Justice of Selected European Countries, Leuven University Press, Leuven, 2000, p. 33.

۲. ر. ک: باقری‌نژاد، زینب، حمایت از شهود (در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی)، خرسندی، ۱۳۹۱، صص. ۵۰-۵۷.

۳. همان، ص. ۶۷.

ارائه گواه به منزله ادله خود سخن می‌راند و مقرر می‌دارد که: «شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله‌اش را اظهار کند» اما چنین تصریحی در خصوص متهم وجود ندارد و تنها در ماده ۲۰۴ حق معرفی شخصی که حضورش را بازپرس ضروری بداند، برای تمامی طرف‌ها از جمله متهم و وکیل وی مقرر شده است. از سویی نیز بیان این نکته ضروری به نظر می‌رسد که قانون‌گذار ایران هیچ‌گونه تصریحی در خصوص برخورداری متهم یا حتی طرف‌های دیگر از حق پرسش و پاسخ از شهود در مرحله تحقیقات مقدماتی ندارد که به نظر می‌رسد نشانگر دیدگاه قانون‌گذار بر غیرترافی‌کردن و گرایش بر نظام تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی است.

۲-۵. تأمین امنیت شهود

هرگاه حق مسلم بهره‌مندی از شهود برای هریک از طرف‌ها به دلیل تهدید و عدم حمایت از گواهان نقض گردد، بی‌گمان آسیب اساسی به برابری طرف‌ها و اجرای عدالت وارد خواهد آمد. بنابراین برابری طرف‌های دعوا اقتضا می‌کند تا از شهود بزه‌دیدگان، به‌ویژه هنگامی که شاهد خود قربانی و مجنی‌علیه باشد و همچنین در صورت ضرورت از شهود متهم حمایت صورت گیرد؛ زیرا ممکن است که شهود متهمی که متوسل به شهادت برای اثبات بی‌گناهی خود می‌گردند نیز در معرض تهدید قرار گیرند و از ادای شهادت امتناع ورزند و حق مسلم متهم در معرفی شهود خدشه‌دار گردد و در نهایت برابری سلاح‌ها نقض گردد. همچنین برنامه‌های حمایتی از گواهان با الزامات و ضروریات دیگر برابری طرف‌ها و حقوق دفاعی آنها در تعارض قرار نگیرد.^۱

در سطح بین‌المللی تمامی اسناد بین‌المللی به این مهم اشاره دارند. برای مثال پاراگراف ۶-ت «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» ابزارهای حمایتی از بزه‌دیده را به شاهدان وی نیز کشانده است و رکن‌های سه‌گانه این حق یعنی حفاظت از بزه‌دیده در رویارویی مستقیم با متهم، حفاظت از او در برابر تهدیدها یا انتقام‌جویی‌های غیرمستقیم متهم و حفاظت از هویت او موجب گردیده است تا فصل مهمی در گفتمان بزه‌دیده‌شناسی با عنوان حفاظت از بزه‌دیده و گواهان ایجاد گردد. همچنین مواد ۳۲ و ۳۳ کنوانسیون ۲۰۰۳ به ترتیب به چگونگی «حمایت از شاهدان، کارشناسان و بزه‌دیدگان جرایم مرتبط با فساد» و «حمایت از کسانی که مراتب ارتکاب جرایم را به مقام‌های ذی صلاح اطلاع می‌دهند»، اختصاص یافته است.

۱. همان، صص. ۸۰-۸۲.

از دیدگاه دیوان اروپایی نیز این نوع حمایت‌ها به رسمیت شناخته شده است، زیرا از نظر دیوان مزبور، در صورتی که منافع حیاتی یا امنیت شهود در خطر باشد، دولت‌ها باید تضمین کنند که در رسیدگی‌های کیفری منافع مزبور به طور غیرموجه به مخاطره نیفتد؛ اما در این زمینه اصول دادرسی منصفانه مستلزم این است که منافع متهم در برابر حقوق شهود و قربانیانی که برای شهادت احضار شده‌اند در توازن قرار گیرد.^۱

همچنین کمیسیون آمریکایی اتخاذ تدابیر حمایت از سلامت شهود و کارشناسان بدون تأثیر بر تضمینات دادرسی منصفانه را ضروری دانسته است.^۲ از سوی دیگر در بند ۱ ماده ۶۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز به ضرورت اتخاذ تدابیری در جهت حمایت از قربانیان و شهود اشاره شده است. از نظر رویه قضایی بین‌المللی حق متهم بر مواجهه با شهود علیه خود دارای محدودیت و استثنائاتی است که این محدودیت‌ها باید به صورت جزئی و دقیق مشخص گردند، کاملاً ضروری باشند و در ضمن حقوق دفاعی متهم را خدشه‌دار نسازند.^۳ از سویی نیز علاوه بر شرط ضروری بودن و مشخص بودن تدابیر، ضرورت رعایت حقوق متهم اقتضا دارد که شرایطی مقرر شود؛ از جمله اینکه «متهم یا وکیل او باید این امکان را داشته باشد که صحت اظهارات شهود را مورد ارزیابی قرار دهد. این امر از طریق پرسش متهم یا وکیل مدافع او از شاهد یا پرسش دادستان از شاهد است ... و نباید متهم تنها براساس شواهد ارائه شده توسط یک شاهد ناشناس محکوم شود.»^۴

در این راستا و در جهت حمایت از شهود تمامی طرف‌ها، تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۲۱۴ برای حق مواجهه طرف‌های دعوا با شهود و مطلع طرف مقابل سه مورد محدودیت با نام تدابیر حمایتی مقرر کرده‌اند.^۵ همچنین در تبصره

۱. نظر دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده (Doorson) علیه هلند (26 March 1996).

۲. دومین گزارش درباره وضعیت حقوق بشر در کلمبیا (OEA/Ser.L.v/II.84, doc. 39, 1993, at P.109).

۳. برای نمونه دیوان اروپایی در پرونده (Van Mechelen and others) علیه هلند (23 April 1997)، اظهار نظر کرده که حق اجرای منصفانه عدالت مستلزم این است که تدابیر محدودکننده حقوق متهم دقیقاً مشخص و کاملاً ضروری باشد (سازمان عفو بین‌الملل، پیشین، ص. ۱۹۶). در بندهای ۱، ۲ و ۵ ماده ۶۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز تدابیر حمایتی از شهود و بزه‌دیدگان را «به نحوی که منافی یا معارض با حقوق متهم و نیز یک دادرسی بی‌طرفانه و منصفانه نباشد» به رسمیت شناخته شده است.

۴. ابراهیم گل، علیرضا، «ابعاد شهادت در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی داور، شماره ۲، ۱۳۸۶، ص. ۱۹۷.

۵. ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، باز پرس به منظور حمایت از شاهد یا

۱ ماده مزبور در صورت شناسایی شاهد و مطلع یا احتمال شناسایی یا بیم خطر، تدابیر لازم از جمله تدابیر آموزشی را برای اشخاص مورد تهدید نیز مقرر کرده است. در عین حال به دلیل اینکه هیچ‌گاه نباید حمایت از شهود در تعارض با دادرسی منصفانه و اصل برابری سلاح‌ها و از جمله حقوق دفاعی متهم قرار گیرد. در این راستا تدوین‌کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری در تبصره ۲ ماده ۲۱۴ مقرر کرده‌اند «ترتیبات فوق باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد».

بدین ترتیب قانون‌گذار جدید محدودیت‌هایی برای هر دو طرف دعوا و به‌صورت یکسان در مواجهه با شهود مقرر کرده است. همچنین سه شرط ضرورت، بیان دقیق تدابیر حمایتی و اعلام «عدم منافات این تدابیر حمایتی با حقوق متهم» از سوی قانون‌گذار رعایت شده است. لکن به‌نظر می‌رسد که قانون‌گذار در کنار اتخاذ این تدابیر و مقررات برای حمایت از شهود، جهت ایجاد تعادل و توازن بین حقوق طرف‌ها، باید بر مواردی که موجب دسترسی طرف‌های دعوا به تسهیلات و اطلاعات برای ارائه دفاعی مناسب می‌گردد نیز تأکید می‌کرد. برای مثال بر اینکه طرف‌ها یا وکیل آنها بتوانند صحت اظهارات شهود را مورد ارزیابی قرار دهند و نباید قرار مجرمیت یا برائت تنها براساس شواهد ارائه‌شده توسط یک شاهد ناشناس صادر شود نیز تأکید می‌کرد. دیوان اروپایی در رأیی بر سه شرط وجود دلایل دیگر، دخالت یک قاضی برای معتبر بودن شاهد و فراهم کردن امکانات برای اینکه متهم یا وکیل او بتواند شاهد را مورد پرسش قرار دهد، تأکید دارد.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند: الف- عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم؛ ب- عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع؛ پ- استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور».

۱. آشوری، محمد؛ و دیگران، پیشین، ص. ۳۵۸.

نتیجه‌گیری

اصل برابری طرف‌های دعوا که به‌عنوان عنصر اساسی دادرسی منصفانه در اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است و براساس تفسیر مراجع نظارتی، این اسناد در تمامی مرحله‌های رسیدگی قابلیت اجرا دارد و قانون‌گذاران را ملزم می‌کند تا شرایط و الزامات این اصل را به رسمیت بشناسند و بدانند که اجرای عدالت بدون رعایت و تضمین تمامی این شرایط امکان ندارد و این برابری را به تحقق کامل نمی‌رساند. بنابراین برای رسیدن به انصاف، باید طرف‌های دعوا از حقوق و امکانات دفاعی متناسب و برابر برخوردار باشند. اگر اقتدار حکومت و جامعه یک‌طرفه بر متهم تحمیل شود و فرصت برابر از طرف‌های درگیر در فرآیند دادرسی گرفته شود، خود منجر به ایجاد زمینه‌های تازه برای جرم و نقض قواعد عدالت خواهد شد و در این راستا جامعه و دستگاه قضایی نیز مهم‌ترین دستاورد خود را از دست می‌دهد.

اگرچه این اصل در قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲ به‌صراحت پیش‌بینی نشده، اما به‌نظر می‌رسد که قانون‌گذار در مواد ۱، ۲ و ۶ به‌صورت ضمنی اصل مزبور را در نظر گرفته است. این قانون همچنین نوآوری‌های مهمی در به رسمیت شناختن برخی از شرایط و الزامات برابری طرف‌های دعوا در مرحله تحقیقات مقدماتی مانند حق طرف‌های دعوا بر بهره‌مندی از مترجم، حق طرف‌ها برای درخواست کارشناس و تحقیقات محلی و اتخاذ تدابیر حمایتی برای تمامی طرف‌های دعوا به‌ویژه شهود داشته است. از سوی دیگر، گام‌های اساسی در مورد اعطای برخی از امکانات و تجهیزات دفاعی به دو طرف دعوا در مراحل پیش از محاکمه در دادگاه مانند حق متهم در برخورداری از ابزار اساسی و فنی وکیل مدافع و دسترسی وکیل مدافع به اطلاعات پرونده تحقیقاتی یا حق شاکی برای حضور در مرحله تحقیقات مقدماتی و حق دسترسی او به اوراق و مدارک تحقیقاتی بازپرس، برداشته شده است که موجب کمرنگ شدن نظام تفتیشی و گام نهادن به سوی نظام اتهامی در مرحله تحقیقات مقدماتی حقوق کشور می‌شود.

در عین حال به‌نظر می‌رسد که هدف از این اصلاحات برقراری یک نظام اتهامی یکپارچه در مرحله تحقیقات مقدماتی نیست. بنابراین موجب رعایت کامل برابری طرف‌های دعوا در بهره‌مندی از تمامی تجهیزات دفاعی نمی‌گردد. زیرا از تمام بررسی‌های صورت‌گرفته می‌توان فهمید که به‌طور کلی هنوز قانون‌گذار ایران سعی در استواری نظام تفتیشی در مرحله‌های پیش از دادگاه دارد و به‌طور کلی، فرآیند دادرسی را بر نظام مختلط استوار کرده است. این در حالی است که از دید اسناد جهانی، به‌ویژه

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که دست‌کم در سطح قوانین داخلی ایران اعتبار دارد و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ که قانون آیین دادرسی جدید برای رعایت حقوق شهروندی آن ضمانت اجرای مدنی و کیفری مقرر کرده است، می‌توان بر ضرورت گرایش به نظام اتهامی در مرحله‌های تعقیب و تحقیق با تأکید بر رعایت اصول منصفانه دست یافت و اینکه دوری از نظام اتهامی و غیرترافی کردن دادرسی در این مرحله‌ها به نقض تضمینات و شرایط اصل برابری سلاح‌ها می‌انجامد.

از سوی دیگر، اگرچه قانون‌گذار با صراحت از به رسمیت شناختن حق دسترسی به پرونده تحقیقاتی برای شاکی و وکیل مدافع سخن می‌گوید و به نظر می‌رسد که مرحله تحقیقات مقدماتی را به سوی ترافی‌تر شدن و کاستن از بار س‌ری بودن آن و در نتیجه، پایین آوردن جایگاه دادسرا به سطح جایگاه طرف‌های دعوا می‌کشاند؛ اما وجود محدودیت‌های فراوان در جهت دسترسی به پرونده تحقیقاتی، به ویژه در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، و غیرترافی کردن تحقیقات می‌تواند برابری طرف‌ها را در مقابل دادستان به نابرابری تبدیل کند. هرچند امید است که از رهگذر شکایت از قرار صادره در این زمینه و با اعمال کنترل‌های دادگاه‌های بالاتر، بتوان به ایجاد تعادل و توازن از دست رفته رسید؛ اما حضور و حق نظارت دادستان و حتی درخواست هرگونه تحقیقات توسط وی در این گونه جرایم بدون هیچ محدودیتی، نشانگر فرودستی طرف ضعیف دعوی کیفری در مقابل دادستان و نماینده حکومت است. نکته اساسی پایانی در این زمینه این است که اگرچه مقرر کردن این تضمینات و شرایط برای موازنه طرف‌های دعوا لازم است، اما کافی نیست و قانون‌گذار باید ضمانت‌اجراهای انتظامی، مدنی و بطلان تحقیقات را در صورت تخلف از تمامی حقوق اساسی طرف‌های دعوا معین کند.

منابع

- آشوری، محمد، «تأملی در پیش‌نویس قانون آیین دادرسی کیفری با اشاره به برخی نوآوری‌های آن»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۵ و ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
- _____ «نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امر کیفری»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۸.
- _____ آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، انتشارات سمت، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۷.
- _____ آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، انتشارات سمت، چاپ دهم، ۱۳۸۸.
- _____ عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶.
- آشوری، محمد؛ و دیگران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- ابراهیم گل، علیرضا، «ابعاد شهادت در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی داور، شماره ۲، ۱۳۸۶.
- اردبیلی، محمدعلی، «تفہیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام»، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
- امیدی، جلیل، «دادرسی کیفری و حقوق بشر»، مجلس و پژوهش، شماره ۳۸، ۱۳۸۲.
- باقری‌نژاد، زینب، حمایت از شهود (در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی)، خرسندی، ۱۳۹۱.
- ترشل، استفان؛ و سارا سامرز، «دادرسی عادلانه در امور جنایی»، ترجمه علی شایان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶-۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
- جانی‌پور، مجتبی، «وکیل معاضدتی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضایی»، راه وکالت، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۰.
- سازمان عفو بین‌الملل، دادرسی عادلانه، ترجمه فریده طه؛ و لیلا اشرافی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- ساقیان، محمدمهدی، «اصل برابری سلاح‌ها در فرآیند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران)»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶-۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
- صابر، محمود، «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، مدرس علوم انسانی، شماره ۶۳، زمستان ۱۳۸۸.
- _____ آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی، دادگستر، ۱۳۸۸.

- غلامی، حسین، «میزگرد عدالت برای بزه‌دیدگان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۴.
- قیانچی، حسام؛ و حمیدرضا دانش‌ناری، «الگوهای دوگانه فرآیند کیفری کنترل جرم و دادرسی منصفانه»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۴، پاییز و زمستان، ۱۳۹۱.
- کاشانی، سیدمحمود، استانداردهای جهانی دادگستری: نقد و بررسی قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- نصراللهی، زهره، تحلیل اصل برابری سلاح‌ها با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۳.
- Delmas - Marty, Mireille, Procédure Pénale Compare dans les Systems Modernes, Nouvelles Études Pénales, P.U.F, Paris, 1995.
- Merrills, John, "The Development of International Law by the European Court of Human Rights", Penn State International Law Review, Vol. 8, No. 3, 1990.
- Pradel, Jean, Centenaire de la Loi du 8 Décembre 1897 sur la Défense Avant Jugement Pénal, Essai d'un Bilan, Dalloz, Paris, 1997.
- Sluiter, Goran, "International Criminal Proceedings and the Protection of Human Rights", New England Law Review, Vol. 37, No. 4, 2003.
- Sudre, Fredric, Les Grands Arrêts de la Cour Européenne des Droits de L'homme, P.U.F, Paris, 4^{ème} Ed., 2007.
- Wasek - Wiaderek, Malgorzata, The Principle of Equality of Arms in Criminal Procedure Under Article 6 of the Human Rights and its Functions in Criminal Justice of Selected European Countries, Leuven University Press, Leuven, 2000.